آقای معظّم حضرت افنان جناب آقا میرزا آقا علیه منکلّ بهاء ابهاه ملاحظه فرمایند

۱۵۲[[1]](#footnote-1)١

بسم ربّنا الاقدس الاعظم العلیّ الابهی

حمد و شکر اولیا و اصفیاء حق را لایق و سزاست آنانکه کوثر حیوانرا که از قلم مقصود عالمیان جاریشد آشامیدند و عطا نمودند ایشانند ایادی امر بین عباد و ایشانند انوار آفاق بهم لاح النّور و انتشرت اوامر اللّه و احکامه بین ملأ الظّهور ایشانند ساقی کأوس مواهب الهی و عطایای ربّانی باسم حق اخذ مینمایند و بذکر حق مینوشند و بهر طالب و قاصدی عطا مینمایند ایشانند نفوسیکه از خود اراده و مشیّتی نداشته و ندارند بافق رحمن ناظرند و بامرش عامل علّة حیاتشان ذکر حق و سبب بقا یاد دوست یکتا بکلمهٴ قم قیام مینمایند قیامیکه قعود او را اخذ ننماید چنانچه در مناجات صوم میفرماید ایشان عبادی هستند اگر باصغاء کلمهٴ صوموا از جهة امر مبرم فائز شوند و اینحکم معلّق بمیقات و حدود نشود صائمند الی ان یخرج الرّوح من اجسادهم حبّذا هذا المقام الاعلی و هذه الرّتبة العلیا

 سبحانک اللّهمّ یا من باسمک انار افق الاقتدار و بذکرک اشرقت الانوار اسئلک بارادتک الّتی سخّرت الممکنات و بمشیّتک الّتی احاطت الذّرّات بان تؤیّد عبدک هذا علی ذکرک و ذکر افنانک الّذین نسبتهم الی نفسک و رفعتهم بکلمتک العلیا و جعلتهم مشارق حبّک فی ناسوت الانشآء ایربّ انّ الخادم یعترف بعجزه و قصوره و خطایاه الّتی منعته عمّا ینبغی لایّامک و جریراته الّتی غفلته عن ذکر اصفیآئک اسئلک یا سابغ النّعم بالاسم الاعظم بان تعلّمنی ما تحبّ و ترضی انّک انت مولی الوری و ربّ العرش و الثّری

 و بعد روحی لاستقامتکم و ذکرکم و اقبالکم الفدآء قد فاز الخادم بدرج کان مملوّاً من لئالی الذّکر و الثّنآء فلمّا تفرّست فزت بها و برونقها و صفآئها و لطافة لونها قصدت مقام موجدها و خالقها و ملهمها و مؤیّدها و عرضتها بین یدی مالکی و مالکها و سلطانی و سلطانها و بعد ما فازت بلحاظ موجدی و موجدها فتح باب البیان و نطق لسان العظمة بما لا یعادله ما فی الامکان قوله تبارک و تعالی

هو المهیمن علی من فی الارض و السّمآء

یا افنانی علیک بهآئی و عنایتی و رحمتی الّتی احاطت الآفاق قد اتی الرّحمن بملکوت البرهان و النّاس اکثرهم فی مریة و شقاق قد منعت عیونهم عن مشاهدة امواج البحر و ما اشرق و لاح من افق به اشرقت الانوار یعبدون الاوهام و لا یشعرون یسمعون الآیات و هم لا یفقهون هزار و دویست سنه باوهامات انفس غافله تمسّک نمودند و در یوم جزا فتوی بر سفک دم مولی الوری دادند بخلیج اسما متمسّک و از بحور معانی محروم و ممنوع سبحان ‌اللّه یکنفر از علما بعرفان حقیقی فائز نشد از وهم ظاهر و بوهم راجع هر صاحب بصری متحیّر و هر صاحب قلبی مبهوت الیوم باید حزب اللّه بکمال همّت بر خدمت امر قیام نمایند که شاید عباد از اوهام قبل محفوظ مانند و نهالهای مغرسهٴ جدیده را از ریح سموم حفظ نمایند لعمر اللّه نفس معرضین بمثابهٴ سمّ مهلک است از حق بطلبید کلّرا حفظ فرماید اوست قادر و توانا لا زال ذکرت در ساحت اقدس بوده و خواهد بود قد حضر العبد الحاضر بکتابک و قرئه لدی المظلوم وجدنا منه عرف الخلوص للّه ربّ العالمین سمعنا ما فیه و اجبناک بآیات لا یعادلها ما فی العالم انّ ربّک هو الشّاهد الخبیر انّه معک و یؤیّدک فضلاً من عنده و هو الفضّال الکریم کذلک اظهر النّور ظهوره و الشّمس اشراقها طوبی لک و لمن فاز بما سطع و لاح من افقی المنیر البهآء المشرق من افق سمآء عنایتی علیک و علی من یحبّک و یکون معک و یسمع قولک فیهذا الامر العزیز البدیع انتهی

 له الحمد و المنّه چه که لا زال افنانشرا ذکر فرموده و میفرماید و هر یک باثر قلم اعلی فائز ولکنّ اللّه فضّل بعضهم علی بعض هذا ما نطق به لسان اللّه ربّنا من قبل انّه هو العلیم الخبیر فی‌ الحقیقه فضلی ظاهر شده که شبه و مثل نداشته و ندارد اینخادم فانی از حقّ باقی مسئلت مینماید که در هر حین بر عنایتش بیفزاید و از کوثر بیانش مسرور و پاینده دارد

 اینکه در بارهٴ وجه حضرت ورقهٴ علیا علیها منکلّ بهاء ابهاه مرقوم داشتند آنچه ارسال شد رسید ولکن باقی باید بعلیا مخدّره والدهٴ آنحضرت برسد و اختیار البسه هم حسب الامر بآنمخدّره واگذارده شده فرمودند اگر بتوانند بعضیرا در صندوقی حفظ نمایند لدی اللّه محبوب و مقبولست و فرمودند حضرت افنان در زحمات ورقهٴ علیا خدمت کامل باصل امر نموده‌اند و اینخدمت لدی العرش بسیار مقبول افتاد چنانچه مکرّر خادم اینذکر را از لسان عظمت استماع نمود هنیئاً لحضرتکم و مریئاً

 امّا بیت تولیت آن بعلیا مخدّره ورقه امّ آنحضرت تفویض شده و هذا ما نطق به لسان العظمة فیهذا الحین یا افنانی علیک بهائی و عنایتی مخدّرهٴ علیا امّ آنجناب احقّ است بسکون در آن بیت تولیت آن بیت را باو واگذاردیم و عنایت فرمودیم و بعد بذرّیّهٴ او لیکون تذکرة لها من لدی الحقّ و ذکراً لها فی القرون و الاعصار انتهی فی ‌الحقیقه عنایت حق جلّ جلاله بمقامیست که اینفانی از ذکرش عاجز است و بعد باید آن بیت اعظم بما نطق به لسان العظمة بترتیبیکه امر فرموده‌اند اولیا عمل نمایند و تعمیر کنند بر کلّ احترام آنواجب و لازم اینعطیّهٴ کبری امروز از قلم اعلی مخصوص علیا مخدّره نازل فضله احاط و کرمه اخذ و رحمته سبقت تعالی ربّنا و الهنا و محبوبنا و مقصودنا نسئله ان یؤیّدنا علی ذکره و ثنآئه و تبلیغ امره انّه علی کلّ شیئ قدیر

 و امّا چای مرسلهٴ آنحضرت رسید فی ‌الحقیقه پاک و ممتاز و مرغوب بود ولکن خالی از حدّت نیست معذلک صرفشده و میشود بستهٴ مرسله هم رسید در جواب عریضهٴ علیا مخدّره حضرت امّ و ورقه علیهما بهاء اللّه الابهی دو لوح امنع اقدس نازل و ارسال شد انشآء اللّه بآن فائز شوند و از امطار رحمت ربّانی خرّم و مسرور گردند

 عرض دیگر دستخطّ ثانی آنحضرت که بتاریخ ٢ ربیع ‌الثّانی مزیّن بود عالم ذکر را تجدید نمود و نهال اَمَلرا طراز بدیع بخشید اسئله تعالی ان یرزقنی لقآئکم و الاجتماع معکم فیظلّ سدرة عنایته و قباب عظمته در زیارت دستخط بسیار اینعبد متأثّر شد چه که در عرض جواب تأخیر رفت ولکن حق شاهد و آنحضرت گواه که لا زال امام عین حاضرند فراموشی در اینمقام راه ندارد و نسیانرا حکمی نه انّ ربّنا الرّحمن هو الشّاهد العلیم

 خدمت آقایان افنان علیهم بهاء اللّه الابهی که در آن ارض تشریف دارند و دوستان الهی سلام و تکبیر عرض مینمایم و از برای کلّ عنایت بدیع و فضل جدید میطلبم اغصان سدرهٴ مبارکه روحی و ذاتی و کینونتی لتراب قدومهم الفدا و اهل سرادق عصمت و عظمت کلّ تکبیر و سلام ابلاغ میفرمایند البهآء و الذّکر و الثّنآء علی حضرتکم و علی من معکم و علی من یحبّکم لوجه اللّه ربّ العالمین

خ‌ادم

فی ٢۶ جمادی ‌الاولی سنه ١٣٠٣

عرض دیگر جواب جناب آقا سیّد حسین زواره‌ئی علیه بهاء اللّه از سماء مشیّت الهی لوح امنع اقدس مفصّل نازل ارسال شد انشآء اللّه زود ارسال میفرمایند و لوحی هم مخصوص جناب حاجی میرزا محمّد تقی علیه بهاء اللّه ارسال شد مخصوص شخص مذکور هم لوحی نازل انشآء اللّه بآن فائز میشوند از حق میطلبم رحیق مختوم کلّرا اخذ نماید و بمقام محمود کشاند

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۲۱ ژانویه ۲۰۲٣، ساعت ٢:٠٠ بعد از ظهر

1. ١ ارقام ٢ و ۵ و ١ بر طبق حساب ابجد بترتیب معادل عددی حروف ”ب“ و ”ه“ و ”الف“ است که مجموع آنها کلمه ”بها“ را تشکيل ميدهد. [↑](#footnote-ref-1)